

انهدام باند زورگیران خشن در مشهد

بعضی اعضا این باند، چهار نفر بودند. آن‌ها با هیکل‌های تراشیده و تخراشیده سوار بر دو موتورسیکلت، پس از شناسایی سوزۀ که عموماً افراد تنها افرادی بودند که از فلان‌ها به‌صورت مجتبی می‌رفتند، در یک بزرگانه به سراغشان می‌رفتند و اگر می‌توانستند گوهی سر را می‌ربودند. اما اگر برایانی مقاومت می‌کرد، چهار نفری به او حمله کرده و او را از مقاومتش بشپیدان می‌کردند. گزارش‌های این سرفت‌ها به پلیس اعلام شده بود و گروهی از افسران جسد کلانتری با همدا مشهد، تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی‌ها دامه داشت تا اینکه در کمتر از بیست دقیقه، گزارش دو نفره گوهی قایبی از سوزی را کبان دو موتورسیکلت در خیابان میکربک و نامجو به پلیس اعلام شد. با توجه به حساسیت موضوع، فاصله طرح مهار از سوزی تنها رسیدگی‌کننده به‌یونده به اجرا گذاشته شد. در بررسی تلفنی اظهارات مال‌باخته هاشم‌خض شد که دودسگاموتورسیکلت‌با چهار سرتشین جوان اقدام به قاپ زنی و زورگیری تلفن همراه دو شهروند کرده‌اند هم‌زمان با اجرای طرح مهار گزارش دیگری به پلیس قاپ زنی در خیابان هارآ به مرکز ۱۱۰ اعلام شد و ماموران انتظامی که در همان حوالی در حال گشت زنی برای شناسایی متهمان بودند، با این گزارش موفق به شناسایی متهمان شدند. متهمان به محض مشاهده خودرو و پلیس با سرعت زیاد از محل متواری شدند که از طریق مسافتی باغریب و گریز یکی از موتورسیکلت‌ها تعادلش را از دست داد و نقش بر زمین شد. راکب و ترک نشین موتورسیکلت با پایا پیاده قصد فرار داشتند که توسط ماموران انتظامی دستگیر شدند. متهمان روهده و نوزده ساله که یکی از آن‌ها تبعه خارجی است، روزی در محفل باه‌جوبی‌ها به‌یونده با ماموران دایره رجسی کلانتری میدان جهاد تاکنون به ۲۸ فقره موبایل قایبی و زورگیری تلفن همراه شهروندان باهم‌دستی و عضو متواری این‌بنداعتراف کردند. هم‌زمان با بازگشت تحقیقات بر دستگیری دو شهروند متواری، متهمان برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

دستگیری مواد فروشی که فقیر نبود!

بوظعا! مرد جوان با این تصور که تظاهر به فقر می تواند روزا از چشم مردان قانون دور نگه دارد، اقدام به خرید یک خودروی بی کی کرده بود و با همین خودرو فرسوده اقدامات سرانجامه اش را انجام می داد. اما این پنج هزار سی تومنست پولیس را قریب رفته بد. مأموران کالترتی چنتر با راصدها طاعتی به خبری مبنی بر توریع مواد مخدر توسط مردی سودجو در حوزه استحفاظی خود دست یافتند. مأموران تنظیمی باکنترل نامحسوس متهم، سرانجام وی را در حال توریع موادمخدر با یک دستگاه سواری بی کی به دام برداختند و در بازرسی او مخفیگاه خود به منطقه چنترین ۴۲کیلو و ۴۰۰متر حبشیش کشف کردند. متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

گاسه عمریک موتورسوار واژگون شد

شهریار از چند روز قبل، از سرآمدن پیمانه عمر یک موتورسوار در بوار چمن نوشیم، با عرض تأسف باید اعلام کنیم که یک موتورسوار دیگر نیز به واسطه استفاده نکردن از کلاه ایمنی، جان بیگانه را بر سر ندانم کاری باقی می‌گذارد. قانون از دست داد و کاسه عمرش و زاگون شد. شامگاه شبی، با اعلام به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر تصادف فوتی در خیابان سیبچ واقع در شهرک طرق، با فاصله نیروهای امدادی به محل حادثه اعزام شدند. در بررسی آموران انتظامی در محل حادثه، مشخص شد که یک موتورسوار به راکبی مردی جوان به علت نامعلومی و زاگون راکب آن به علت نداشتن کلاه ایمنی و صدمات وارده به سر در محل فوت کرده است. با انتقال جسد به سردخانه، علت مرگ آن سائق توسط کارشناسان پلیس راهور در دست بررسی است.

در انفجار کارخانه مهمات، کسی زنده نماند

پسند مقامات ایالتی آمریکا اعلام کردند شازنده نفری که پس از وقوع انفجار بزرگ روز جمعه در یک کارخانه ساخت مهمات در ایالت «تنسی» مفقود شده بود، احتمالا هگهی کشته شده است. ابتدا این تکراری وجود داشت که شاید هجده نفر در کارخانه بوده باشند. اما بعد مشخص شد که دو نفر در محل حادثه نبوده اند. در حالی هنوز علت این حادثه در همین مکان هست که سال ۲۰۱۴ نیز حادثه مشابهی در همین مکان رخ داده بود.

گشته شدن ۴ دیپلمات قطری در مصر

مهراسانه های مصری از کشته شدن چهار دیپلمات قطری
 به این کشور سفر کرده بودند. در جریان یک تصادف
 رفتاری خبر دادند. این افراد عضو هیئت قطری بودند
 که عازم مذاکرات صلح غزه در شرم الشيخ شده بودند. گفته
 شده خودرو این افراد واژگون شده و علاوه بر جان باختگان
 خود، نفر نیز مصدوم شده اند. مقامات مصر تحقیقاتی
 در این زمینه آغاز کرده اند.

فخل ها جلو فاجعه را گرفتند

صبر ایران! یک بالگرد هنگام پرواز بر فراز یک منطقه ساحلی شلوغ در جنوب کالیفرنیا ناگهان از کنترل خارج شد و در حالی که نماشاگران ساحل، نظاره‌گران بودند به دریای درخشان شعله‌ور برخورد کرد. این بالگرد ابتدا بر فراز «هانتینگتون بیچ» شلوغ به چرخش می‌گرفت و سپس به سمت لبه ساحل می‌ریخت و در آنجا ارتفاع آن کاهش یافته و بین درختان نخل سقوط می‌کرد. در این حادثه پنج نفر مجروح شدند از جمله دو سرنشین بالگرد که می‌ان لاشه آن زنده بیرون کشیده شدند. سرشناس دیگر هم جزو عابران پیاده بود که سقوط بالگرد هنوز اعلام نشده است.

پشتیبانی پلیس و قانون از نوزادی ۳ ماهه که والدینش سرخواستنش دعا دارند!

دست رد زوج جوان به هدیه بهشتی



عکس، تزیین، است

به کلاترانی احمدآباد فراخوانده شد. مرد جوانی که پس از زورود به دایره مذكری و مشاوره، بخش زیادی از اذاعاهاى همسر و مادرزنش را رد کرد. او مدعى شد: زن خود به همسر با مادرم نسبت فامیلی داشتند. مادرم این زن را به پیرام انتخاب کرد. من مى دانستم او دچار اختلالات ذهنى است اما شدتش را نمى دانستم. شما با او حرف زدید و متوجه شدید كه هر وقت صحبت مى كند ناگهان مكث مى كند و به طرف مقابل خیره مى شود. وقتى كه متوجه اين موضوع شدم از مادرم پرسيدم: «چرا اين دختر را برايم انتخاب كردى؟ او را گفت: «شود» من مى شدم. به همين خاطر تحمل كردم. با اين حال ديگر احساسى به او ندارم. مى خواهم از او جدا شوم و با دخترى كه دوست دارم ازدواج كنم. همسر اينده ام حاضر به مراقبت از اين چيز نيست و شرط كرده ياد اينده همسرمان را طلاق بدهم. در هر صورت، من بچه را نمى خواهم. همسرم قبول كرد. او را بزرگ كنم و من هم هر ماه در كوتاهن به آن جا كمك خواهم كرد.

با وجود اينكه پدر نواز حاضر به پذيرش مسئوليتش در قبال دختر سه ماهه اش نبود، اما وظايفش به او گوشزد شد و پدرونگه آن با هراى رسيدگى فوري و تخصصى به دستگاه خانواده ارسال شد.

د خترم برگه ها را امضا کرده تنها به خانه ما آمد. همان سب، حالش خیلی خراب بود و حرفی نمی زد تا اینکه زنگ در خانه ما را زدند. در را باز کردم و دامادم را دیدم که نوه ما را به همراه همین پلاستیک مشکی جلو در گذاشته است. او گفت: این بچه را نمی خواهیم و هر کاری می خواهید بکنید.

● **بچه را به یک سازمان دولتی بدهید**
زن سالند اضافه کرد: بوهرم من یک کارگر ساختمانی پیراست. ما خودمان مستاجر هستیم و زندگی سختی داریم. خرج خودمان را هم به زور تأمین می کنیم، بچه پرسد به یک بویا بخواهیم خرج خودمان را بچه اش را بدهیم. اگر دامادم دخترش را نمی خواهد ما هم او را نمی خواهیم. فکر می کردیم با آمدن به اینجا می توانیم قانونی بچه را حداقل تا زمان دادگاه به بهزیستی تحویل بدهیم. پس از ثبت ادعای این دو زن، یک بار دیگر به آن ها گوشزد شد که آن ها مسئول مراقبت از این نوزاد هستند و هرگونه سهل انگاری در این کار عواقب جدایی دهنده خواهد داشت.

● نرگس مانع خوشبختی‌ام است!

و تشدید شد. شوهرم مدام می‌گفت که می‌خواهد من را طلاق بدهد و بایک زن دیگر ازدواج کند.

● شوهرم، من و بچه را نمی‌خواهد

زن جوان با اشاره به نوزادی که در آغوش داشت، ادامه داد: در همین شرایط بود که من باردار شدم. شوهرم مدام می‌گفت باری نمی‌خواهد. من که زندگی را در ادامه جان نودادی می‌دیدم، با اینکه نمی‌خواستم از شوهرم جدا شوم، اما می‌دانستم با به دنیا آوردن این بچه در قفس ظلم می‌کنم. در هر صورت نمی‌توانستم برای جلوگیری از به دنیا آمدن نرگس کاری انجام بدهم. هر طوری که بود دوران بارداری‌ام گذشت و دختر به دنیا آمد. شوهرم از روزی که نرگس متولد شد مدام می‌گفت: این بچه ربطی به من ندارد. حتی به روزی حاضر شد برایش شناسنامه بگیرد. یک ماه از تولد نرگس گذشته بود که شوهرم دوباره پیش را در یک گفت کرد و گفت که باید از هم جدا شویم. او مدام می‌گفت قصد دارد با نرگس دوستی دارد از جداجو می‌خواهد. او شب‌ها به خانه نمی‌آمد یا اگر می‌آمد، من را تنگ می‌زد. هفته قبل هم که با مادرش به خانه ما آمده بود، هر دو من را تنگ زدند و گفتند باید با هم جایی برویم. آن‌ها من را به این منطقه آوردند و با هم به یک دفتر اداری رفتم. منی‌دانم آنجا دفتر وکیل بود. امضا، حاضر. اما جلویم بره‌گهی‌ها کشیدند و گفتند باید امضا کنید. من هم نتواندم تمامی اسناد امضا کنم.

● مادر جوان در پناه مادرش

مادر جوان افسانه‌ی قاصد، بعد از امضای این برگه‌ها تازه متوجه شد که تمام حق و حقوق را به شوهرم بخشیده‌ام و حتی قبول کرده‌ام خیرتر از بهانه‌هایی بزرگ کنم. در مقابل هم شوهرم ضمانت کرده هر وقت دوست داشت و در توشاوش و بدلی، به من بپردازد. من نمی‌دانم با این چه چیزی کار کرده‌ام! خودم الان پر پدرم هستم. اینجا بود که بعضی از این مادر جوان ترکیب، ناآرامی و تشویش او ادامه داشت تا اینکه مادرش وارد اتاق شد و او مانند یک دختر بچه به آغوش مادرش پناه برد. زن جوان دیگر توان فرزندان نداشت، به همین دلیل، مادرش اظهارات او را تکمیل کرد و مدعی شد: «دادام درخواست طلاق داده و برای اینکه مهریه نپردازد یک وکیل گرفته است. من نمی‌دانم او دختر را به محضر و دفتر وکیل برده است؟ هر چه گشتم دخترم رایش نیامد آن روز کجا افتاده. به هر حال بعد از این که

عظا از ابتدای امسال، ۱۱۵ نفر در مشهد به علت مرگ مغزی و تأیید آن، با یک اندیشی خانواده هایشان به تیغ تراچی سپرده شده اند تا پیش از مرگ ورود به آن بودند، با اهدای عضو، نامشان

**صدویانز دهمین
عمل اهدای عضو
در مشهد
انجام شد**

عادت‌ها

جلالیان آگاهی هرچه با احتیاط در خیابان‌ها رانندگی کنیم، گریز از تصادف ممکن نیست. سبب بروز خسارت‌های مالی یا مصدومیت خودروها می‌شود. اما برخلاف این سبب ساعات پایانی شب تا سحر در خیابان‌ها رخ می‌دهد، سبب بروز فاجعه می‌شود. اوقات می‌بینیم دلیل بروز آن‌ها غیرمجاز بوده‌است. اتفاقی که همین چند خودرو سمنند افتاد. خودرویی با ۱۰ اس‌رنشیر غیرمجاز و تازه وارد به کشور بودند. راننده سمن خلوتی مسیر با سرعت غیرمجاز در محور می‌کرد تا اینکه سه بار از خوردن با یک دستگاه زد. فاجعه‌ای که سه کشته و هفت زخمی این سانحه تلخ، صبح دیروز در تپه‌سلام تهران رخ داد.

س یک تصادف شهری ۸ کشته و
پژو ۴۰۵ به نیوجرسی ک

گرچه نیا ز در چش پوس اما

پور پنجاه ساله، صد و پانزدهمین نفر این بخش بود که پس از حادثه‌ای در بیمارستان اسفراین بستری شده بود. با تأیید مرگ مغزی او، سال و رضایت خانواده‌اش، این زنده‌یاد به روی اعضای پیوندی، در بیمارستان منتصریه شد و تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار

نشین در محور نیشابور به مشهد
صله کم تا مقصد، احتمالاً از جمله
هست با وجود خستگی به مسیرش
م این خودرو به دلایلی که تاکنون
تحرسی بتنی مخرب شد. به دنبال
حرسی، نیمی از خودرو مجاله شد و
امدادگران اورژانس و آتش نشانان
ند. نیروهای آتش نشان با حضور در
سوزی، پیکر سه کشته این سانحه
رو خارج و به امدادگران اورژانس
راهور نیز با حضور در محل، ضمن
منظور پیشگیری از تصادف‌های
سانحه مرگبار رانندگی پرداختند.

رادامه، کلیه‌ها و کبد او برای پیوند به بیمارستان بیمارستان بوعلی سینا صدرا شیراز ارسال شد. ه نیز قریه‌های این زنده یاد برای پیوند به بانک دانشگاه علوم پزشکی مشهد انتقال یافت و بخشی از برای پیوند به بیمارستان بخش سوختگی بیمارستان (ع) مشهد ارسال شد.

değişim, ilâhî, sâî, -can buldu:; mîc

[illegible]